

## چکیده

یکی از مباحث عمده نحو گروه است که «گروه صوتی» از اقسام آن محسوب می‌شود. ما این قسم گروه‌ها را اختصاصاً در تمام متن تاریخ بلعمی (مصحح ملک‌الشعراء بهار، چاپ دوجلدی سال ۱۳۵۳) - که از نخستین آثار بازمانده زبان فارسی دری است - از نظر ساختاری و معنایی به روش توصیفی بررسی کرده‌ایم؛ یعنی، پس از استقرار نام گروه‌های صوتی موجود در این اثر، آن‌ها را از نظر ساختمان (در چهار ساختمان) دسته‌بندی و معنای هر گروه را بیان کرده‌ایم. چون متن مزبور جزء متون فارسی دری است، شواهد معدود به دست آمده از آن از نظر صورت و معنا با زبان امروز تفاوتی ندارد. این مقاله به منظور شناخت دقیق انواع گروه‌های صوتی است که از مسائل جزئی دخیل در نحو به حساب می‌آید.

## کلیدواژه‌ها:

دستور زبان تاریخی، گروه، صوت، و تاریخ بلعمی.

## مقدمه

«صوت کلمه‌ای است که نقش فعل یا جمله را بازی می‌کند؛ بی‌آنکه شکل آن‌ها را داشته باشد و برای بیان عواطف و احساسات به کار می‌رود.» (فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۵۱۰) درباره گروه‌های صوتی (نه صوت) مطلبی در کتاب‌های دستور (قدیم و جدید) به جز دستور امروز و دستور مفصل امروز - هر دو از خسرو فرشیدورد - نیامده است. از این‌رو، ما گروه‌های صوتی را بنا بر آنچه در دستور مفصل امروز آمده است، (همان: ۵۱۶) بررسی می‌کنیم. در این کتاب پنج ساختمان مشترک برای گروه‌های صوتی و اصوات مرکب (در زبان فارسی) ذکر شده که چهار ساختمان آن در تاریخ بلعمی آمده است. البته شواهد هر چهار ساختمان نیز - چنان که خواهیم دید - گروه صوتی است نه صوت مرکب.

محمدباقر وزیرزاده  
کارشناس ارشد زبان  
و ادب فارسی

علاوه بر این، گروه‌های صوتی (و صوت) را از لحاظ معنی می‌توان به اقسامی تقسیم کرد (همان: ۵-۵۱۱). ما به معنی یا معانی هر یک از گروه‌های صوتی در زیر شواهد اشاره می‌کنیم. یادآوری - بعضی از جمله‌های عربی در فارسی نقش صوت را بازی می‌کنند (همان: ۵۱۸). بنابراین، نباید آن‌ها را در فارسی جمله حساب کنیم.

## اقسام گروه‌های صوتی تاریخ بلعمی از نظر ساختمان

۱. از دو صوت: این گروه‌های صوتی بیشتر جنبه تأکیدی دارند. (همان: ۵۱۶)  
یوسف گفت: معاذالله زینهار از خدای ترسم (ج: ۱، ۲۷۹)؛ گروه صوتی مخالفت و تحذیر  
ای پسر چون ترا به شب آواز کنند، تو گوی لبیک و سعدیک (ج: ۱، ۵۳۳)؛ گروه صوتی اجابت جبریل را دید که گوش کیش گرفته و همی آورد. دانست که خدای عزوجل فرستاد؛ گفت: لااله الا الله و الله اکبر. پس پسر را گفت: ای پسر سر بر کن که خدای تعالی فرج داد. پسر برخاست، جبریل را دید با آن کبش؛ گفت: الله اکبر و لله الحمد (ج: ۱، ۲۳۷)؛ گروه‌های صوتی شادی  
گاهی صوت دوم مترادف صوت نخست و مؤکد آن است:  
و آن سنگ‌ها... اندر فلاسنگ نهاد و گفت بسم‌الله به نام خدای جبار، و بینداخت (ج: ۱، ۵۴۴)؛ گروه صوتی دعا (یا استعانت)  
۲. از دو یا چند جزء جمله که فعلش حذف شده باشد.  
اگر کسی تو را گوید: تیزت بریش! تأویلت چیست؟ (ج: ۱، ص ۴۳۹)؛ گروه صوتی سرزنش و استهزا

# گروه‌های صوتی بلعمی

### ۳. از تکرار صوت یا کلمه دیگر

چون عجم شکسته شدند، پیغمبر (ص) گفت: الله اکبر الله اکبر، هذا أول يوم انتصف العرب من العجم (ج ۲، ص ۱۱۳۵): گروه صوتی شادی چون شما بدو اندر شوید، سر به سجود کنید و خدای را دعا کنید و بگویند حطه حطه ۱. (ج ۱، ص ۵۱۳): گروه صوتی دعا صوت به وسیله تکرار شدن تأکید می شود. (فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۵۲۱) ۴. از صوت و متمم آن: «صوت چون نقش فعل یا جمله را بازی می کند، مثل فعل، گاهی متمم نیز می گیرد» (همان: ۲۲۱). متمم صوت «گاهی با حرف اضافه می آید». (همان: ۵۴۱) مانند:

درد بر محمد پیغامبر (ج ۱: ۱): گروه صوتی دعا و آرزو سلام بر ملک عزیز بزرگوار (ج ۳: ۱۰۲۷): گروه صوتی دعا و آرزو «و گاهی جمله‌واره است و در این حال بیشتر با حرف ربط «که» می آید»؛ (همان) مانند:

موسی علیه السلام گفت: معاذالله که من فسوس کنم (ج ۱: ۴۵۵)؛ یعنی، معاذالله از فسوس کردن من. گروه صوتی مخالفت و انکار و اگر با قوم و العیاذ بالله که او پیغامبر خدای و کلیم خدای زنا کند. (ج ۱: ۴۸۶) «اگر» در این مثال به معنی «تأکید نفی» است. (خطیب رهبر، ۱۳۷۹: ۱۰۶)

بنابراین، قید است (نه حرف ربط). «العیاذ» دارای دو متمم است: یکی متمم با حرف اضافه (بالله) و دیگر، جمله‌واره‌ای که پس از «که» آمده است: گروه صوتی مخالفت و انکار منجمان گفته‌اند که از نسل مهرک فرزندی بود که ملک من بدو رسد؛ الحمدلله که از پشت تو آمد. (ج ۲: ۸۹۹): گروه صوتی شادی

### نتیجه‌گیری

۱. باقی ماندن ساختمان‌های گروه صوتی از گذشته تا امروز
۲. وجود گروه‌های صوتی عربی در تاریخ بلعمی

### پی‌نوشت

۱. «یعنی حَطَّ عَنَّا حَطَّايَانَا» (تاریخ بلعمی، ج ۱، ص ۵۱۴)

### منابع

۱. بلعمی، ابوعلی محمد؛ تاریخ بلعمی (تکمله و ترجمه تاریخ طبری)، تصحیح محمدتقی بهار «ملک الشعراء»، به کوشش محمد پروین گنابادی، جلد اول و دوم، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۳.
۲. خطیب رهبر، خلیل؛ دستور زبان فارسی: کتاب حروف اضافه و ربط، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مهتاب، ۱۳۷۹.
۳. فرشیدورد، خسرو؛ دستور مفصل امروز، ج ۲، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۴.

### ادامه از صفحه ۶۹

در شعر فارسی، به‌خصوص شاخه ایرانی آن (صائب، کلیم، طالب آملی، سلیم تهرانی)، همواره موازی گسترش درصد کاربرد اسلوب معادله است؛ به حدی که در بعضی شاعران و بعضی غزل‌هایشان، اساس سبک را به طور کلی همین اسلوب معادله تشکیل می‌دهد.

اما تمثیل شاخه‌ای از تشبیه است و از همین رهگذر است که عنوان تشبیه تمثیلی هم در کتاب‌های بلاغت فراوان دیده می‌شود. بهترین راه تشخیص اسلوب معادله از تمثیل این است که در اسلوب معادله مصراع دوم در حکم مصداقی برای مصراع اول است و می‌توان جای دو مصراع را عوض کرد یا میان آن‌ها (=) گذاشت اما در تمثیل این شرایط موجود نیست. در واقع، هر اسلوب معادله تمثیل هم هست اما هر تمثیل اسلوب معادله نیست.

### پی‌نوشت

۱. تمثیل در اینجا از مصطلحات اهل ادب است: در منطق نیز اصطلاح تمثیل داریم که آن را قیاس فقهی و اصولی نیز می‌گویند. تمثیل منطقی آن است که ما بین دو چیز بر حسب ظاهر مشابهتی وجود داشته باشد و بدان سبب، حال و حکم یکی را بر دیگری قیاس کند؛ یعنی، حکم یکی را بر دیگری مترتب سازند.
۲. آخرین دوا، داغ کردن است. در معالجات قدیم معمول بود که در نهایت، زخم را با داغ کردن معالجه می‌کردند.
۳. معین، دکتر محمد؛ فرهنگ فارسی، امیرکبیر، ج ۲۴، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳۹

### منابع

۱. رازی، شمس قیس؛ المعجم فی معاییر اشعار العجم، تصحیح علامه قزوینی، چاپ افست رشیدی، بی تا
۲. همایی، استاد علامه جلال‌الدین؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ دهم، مؤسسه نشر هما، ۱۳۸۵
۳. شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا؛ صورخیال در شعر فارسی، ج ۶، آگاه ۱۳۷۵.
۴. سیادات ناصری، سیدحسین؛ فنون و صنایع ادبی، سال دوم و سوم آموزش متوسطه عمومی، فرهنگ و ادب، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، ۱۳۶۸.
۵. ادبیات فارسی ۴ و ۲۳، سال دوم متوسطه رشته نظری، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، ۱۳۷۷.
۶. کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه، نظام جدید، سال سوم و پیش‌دانشگاهی، عمومی، تخصصی.